

# معلمان و نظام آموزشی

## محمد داوری

شاید کمترین زمانی بوده است که همانند يك سال اخير موضوع معلمان و نظام آموزشی در افکار عمومي و سطوح مختلف و افشار و طبقات گوناگون مورد توجه قرار گرفته باشد لذا این سطح و گستردگی که بیش از همه متاثر از کنشگریهای معلمان است را باید به فال نیک گرفت و ابراز خرسندی نمود که این حوزه مهم نیز وارد افکار عمومي شده است و تن جامعه نسبت به یکی از دردهای مهم و تاریخی خود حساسیت نشان داده است.

بی‌تردید در واکنش به شرایط نظام آموزشی که سرنوشت کودکان و نوجوانان کشور در گرو کارآمدی آن است بیش از همه ورود نخبگان به خصوص اساتید دانشگاه و به‌ویژه اساتید حوزه علوم تربیتی و علوم انسانی را باید قدر دانست و ابراز امیداری نمود که این نقش آفرینی‌ها استمرار داشته باشد و مدرسه و دانشگاه روز به روز به هم نزدیک شده و پیوستگی این دو نهاد مهم که یکی مسوولیت تربیت عمومي و دیگری مسوولیت تربیت تخصصی را برعهده دارد به صورت معناداری تقویت شود.

واکنش سایر افشار و اصناف و نهادها و شخصیت‌ها به حوزه آموزش و پرورش و جنبش فرهنگیان نیز قابل توجه و شایسته تحسین است و نشان از این دارد که افراد فعال در سایر حوزه‌ها نیز متوجه اهمیت تاثیرات مخرب و عمیق و گسترده ناکارآمدی نظام آموزشی در سایر حوزه‌ها نیز هستند و لذا سوراخ شدن کشتی مشترکی که همه در آن نشسته‌اند را تهدیدی برای همه جامعه می‌دانند و نگران استمرار ناکارآمدی نظام آموزشی و نارضایتی معلمان به عنوان محور این نظام هستند.

نباید از واکنش‌های احزاب و نهادها و شخصیت‌های سیاسی به کنش‌های معلمان و صدای نارضایتی از نظام آموزشی هم غافل بود، چراکه فعالان سیاسی باید زودتر و بیشتر متوجه این مهم می‌شدند که ناکارآمدی نظام آموزشی تهدیدکننده همه ساختارها و فرآیندهای توسعه است و اگر سیاست‌ورزی احزاب و نهادها و شخصیت‌های سیاسی بدون توجه به این مهم پی گرفته شود تردیدی نیست که بحران‌ها و بن‌بست‌های مدیریتی و اجرایی نتیجه‌ای جز فروپاشی تمام ساختارها را به دنبال نخواهد

داشت و طوفان‌های شکل گرفته همه را غرق خواهد کرد نه فقط معلم و دانش‌آموز را.

در این میان با کمال تاسف باید گفت واکنش نهادهای امنیتی و اطلاعاتی و قضایی به مسائل و مشکلات نظام آموزشی و کنشگری معلمان مغایر با واکنش عمومی بوده است و ارزیابی امنیتی و نیت‌خوانی‌های اطلاعاتی نشان از همان رویکردهای قدیمی و سنتی که ریشه در تحلیل‌های کلیشه‌ای داشته، دارد و این واکنش که منجر به تحقیر و تهدید و بازداشت و زندانی نمودن فعالان شده است نه تنها معطوف به حل مساله نیست بلکه مساله‌ساز بوده و نظام آموزشی را بیش از گذشته ناکارآمدتر و معلمان را ناامید و بی‌انگیزه‌تر خواهد نمود.

لذا به نظر می‌رسد هر نهاد و دستگاه و شخصی که نسبت به معلمان واکنشی نشان می‌دهد و نقشی را در واکنش به فعالیت‌های صنفی و مدنی ایفا می‌کند باید به این پرسش پاسخ بدهد که آیا نسبت معلمان با نظام آموزشی را درک کرده است؟ و پرسش بعدی پیش روی او این است که آیا برخورد او در قبال اعتراضات و فعالیت‌های معلمان رفع‌کننده ناکارآمدی نظام آموزشی است تا تشدیدکننده آن؟ چراکه موضوع نظام آموزشی امروز يك موضوع صنفی و قشري نیست بلکه يك مقوله ملي است که همه شهروندان باید نسبت به آن احساس مسولیت کنند نه فقط معلمان.

منبع: [www.iranpress.com](#) 18 [www.iranpress.com](#) 1401